

نگاه تنگ و فراخ به ویرایش

عبدالحسین آذرنگ |

| بازنشر در وبگاه انجمن صنفی ویراستاران | www.anjomanvirastar.ir

نوشتۀ فیتزجرالد راسه بار بازنگاری کرده و نویسنده هم بازنگاری های او را پذیرفته است.^۱

ازرا پاوند (۱۸۸۵ - ۱۹۷۲ م) شاعر نامدار و منتقد ادبی، بخشی از شعر بلند و معروف «سرزمین هرز» را، سروده تی. اس. الیت (۱۸۸۸ - ۱۹۶۵ م) شاعر بر جسته و منتقد ادبی انگلیسی-آمریکایی، قیچی کرد. فیتزجرالد والیت، هردو، این دخل و تصرف ها در اثرشان را پذیرفتند. چرا؟ چرا دونامور بزرگ به ویرایش و ویراستار اعتراض نکردند و دست او را در کارش باز گذاشتند؟

احمد شاملو (۱۳۰۴ - ۱۳۷۹ ش) شاعر بزرگ معاصر، شعرهای بسیاری، و هوشنگ گلشیری (۱۳۱۶ - ۱۳۷۹ ش) نویسنده نوآور معاصر، داستان های بسیاری را ویرایش کردند و حتی ساختار بعضی از آن ها را به هم ریختند و این دو نه با اعتراض روبه رو شدند و نا با واکنش منفی یا نامساعد دیگری، چرا؟ ابوالحسن نجفی (۱۳۰۸ - ۱۳۹۴ ش)، زبان شناس، مترجم، ویراستار و منتقد ادبی، با خواندن دقیق نوشتۀ های گلشیری و پیشنهاد برخی تغییرهای ساختاری و اسلوبی، در روند تحول و کمال داستان نویسی گلشیری تأثیر داشت.^۲ شهرت مکس پرکینز فقط ناشی از توانایی های چشمگیر او در ویرایش نبود، بلکه در قدرت و جاذبه ای در شخصیت او هم بود که اعتماد بر جسته ترین نویسنده آن روز آمریکا را جذب می کرد. و به همکاری خلاقانه میان نویسنده و ویراستار شکل می داد. پیشنهادهای او آن قدر سنجیده، حساب شده و از روی دقت و روزی، تأمل و تفکر، واستدلال هایش به حدّی متقن و متقاعد کننده بود، و نیز فهم مشترک، اعتدال ذوقی، هنری، شمّ زبانی و تسلطش به جنبه های مختلف داستان نویسی و ظرایف مربوط به این کار، جای هیچ گونه اکراه و تردیدی برای همکاری نویسنده با ویراستار باقی نمی گذاشت. پرکینز با مطالعه دقیق اثروبررسی جنبه های مختلف آن، ویژگی های اسلوبی (سبکی) اثر را کشف می کرد و بر ظرایف آن مسلط می شد. درنتیجه، تغییرات لازمی را با توجه به منطق ساختاری خود اثر اعمال می کرد. این گونه از ویرایش، که به آن ویرایش اسلوبی^۳ می گویند، نویسنده را متوجه می کرد که کار ویراستار اثر او را به کمال مطلوب خود اونزدیک تر می کند و در نتیجه، اعتمادش به ویراستار و ویرایش او جلب می شد. پرکینز در عین حال، مناسبات بانویسنده را مُؤبدانه و صمیمانه برقرار می کرد و نگاه می داشت. یکی دیگر از شگردهای کاری او این بود که صورتی تهیه می کرد از مواردی که تغییر یا اصلاح نیاز داشت و این صورت را در اختیار نویسنده قرار می داد تا خود او تغییرهای را شخصاً اعمال کند و مداخله ویراستار در نوشتۀ تا جایی که امکان دارد، کم و کم تر شود یا به حداقل ممکن برسد. همین ترکیب بود که از پرکینز اسطوره ای در ویرایش ساخت. رفتار او را با رفتار ویراستاران بی نزاکت و آداب ندان مقایسه می کردند. برای مثال، یکی از نویسندها بنام آمریکایی قیچی پرکینز (۱۸۸۴ - ۱۹۴۷ م)، از اسطوره های ویرایش کتاب، گتسی بزرگ،

اشاره: در شماره ۳۸۸ - ۳۸۶ جهان کتاب (تیر - شهریور ۱۴۰۰) مطلبی از صاحب همین قلم منتشر شد با عنوان «ویرایش ادبی و ریطوريقا» که واکنش ها و بازخوردهایی از پی داشت، از جمله چند پرسش به میان آمد که در این نوشتۀ می کوشم دو- سه نکته اصلی را با توضیح بیشتری مطرح کنم. در آن نوشتۀ نظر به ویرایش متن های تالیفی بود، و به ویرایش ترجمه اشاره ای نشده بود. آقای علی خزاعی فر، سردبیر فصلنامه مترجم، در مقاله شان در همان نشریه به این جنبه پرداخته اند. علاقه مندان به موضوع اگر مایل باشند، می توانند به آن مقاله مراجعه کنند.

حرفة ویراستاری در شماره های پرتنش است. سروکار داشتن با آثاری که به دیگران تعلق دارد، ورود به حیطه آنان و دخل و تصرف در اثری که آفریده دیگری است و حقوق مادی و معنوی آن به او تعلق دارد، نمی تواند از تنش و چالش برکنار باشد. از این روزت که نظریه پردازان ویرایش، مؤلفان آثار بر جسته در این حوزه و ویراستاران کارکشته بر آین اخلاقی و آداب و سلوکی تأکید دارند که ویراستاران آن ها را به تمام و کمال، یاتا جای ممکن، مراعات کنند تا آن چالش و تنش به همکاری خواهایند تبدیل شود، یا به آن حد کاهش بیابد که اصطکاک میان قلمروها در فعالیت ها احتلال ایجاد نکند. به هر حال، همه حرفة هایی که ناگزیرند با هم کار کنند، کم و بیش اصطکاک دارند، اما اصطکاک تا حدی قابل تحمل است که به رویارویی تبدیل نشود، مانند اعتصابی نباشد که کارگران بر ضد کارفرمایان، رانندگان کامیون بر ضد پیمانکاران، یا معلمان بر ضد مقامات و مسئولانی به راه می اندازند که مسئولیت تصمیم گیری درباره وظایف، حقوق و گاه حیطه کار و عمل با آن هاست. سرچشمۀ اصلی تنش و چالش در ویراستاری چیست و کجاست؟ چگونه می توان این دور از میان بُرد، یا اگر بخواهیم واقع بینانه تر به ماجرا نگاه کنیم، آن ها را به حد قبل ممکن تحمل کاهش داد؟

طیف ویرایش بسیار گسترده است. این طیف از حداقل دخالت ممکن در اثر دیگری تا حد اکثر ممکن مداخله در اثر او پیوستار دامنه داری را تشکیل می دهد. فراوان دیده می شود که به ویراستار توصیه اکید می کنند از دخل و تصرف در نوشتۀ دیگران تا جای ممکن پرهیزنند. این توصیه در جای خود بجاست، اما در کجا؟ در آثار آفرینش گرانه، هنری، شخصی و خصوصی و همه آثاری که عنصر خلاقیت، اصالت و فردیت تعیین کننده ترین عنصر است. هیچ ویراستاری در هیچ کجای جهان و تحت هیچ شرایطی مجاز نیست سبک نگارش نویسنده داستان یا ساختار شعر یا نمایشنامه ای را تغییر دهد، اما نمونه های پذیرفته شده نقض همین اصل هست. مکس پرکینز (۱۸۸۴ - ۱۹۴۷ م)، از اسطوره های ویرایش کتاب، گتسی بزرگ،

و خصوصی و نظایر آن است، به عکس موارد بالا، ویراستار در خدمت متن است و او با پدیدآورنده کاملاً همسوست و همچون همکاری صمیمی ووفادار، دانش فتی، تجربه، اطلاعات و پیشنهادهایش را در اختیار او می‌گذارد تا او آن طور که می‌خواهد پیامش را به مخاطبان واقعی یافرودی و احتمالی اش منتقل کند. هیچ ویراستاری مجاز نیست به جمله‌های بدون فعل جلال آل احمد فعل بیفزاید. اگر احیاناً از زیر چشم او در رفته باشد و جمله‌ای را با فعل نوشته باشد، ویراستار باید به او یادآوری کند که این خلاف سبک نوشته اوت است و بهتر است فعل حذف شود؛ ولوآن که خود ویراستار به مبانی دستور زبان چنان پاییند باشد که جمله بدون فعل را خلاف ناموس و مصلحت زبان بداند. بنابراین، ویرایش میان دو قطب «حداکثر دخالت» و «حداقل دخالت» نوسان دارد. این که در این طیف گسترده چگونه باید عمل کرد، همان مرزی است که ویرایش‌های بجا و نابجا، ویرایش‌های وارد و ناوارد، را ز هم جدا می‌کند.

*

نوسان دیگر تعیین‌کننده در ویرایش، نوسان میان کل نگری و جزء‌نگری است، یا به تعبیر دیگر، نوسان میان نگاه تمام‌نمای (پانوراما) و نگاه از میان سوراخ کلید. ویراستار ناگزیر است در همه موارد لازم میان این دو قطب نوسان کند. شناختن مرز میان این دو هم از دیگر هنرهای تعیین‌کننده ویراستاری است. تصمیم‌گیری در این باره که کجا جزء‌نگری لازم است و کجا نگاه تمام‌نمای دیدن حداکثر آنچه در میدان دید باید قرار بگیرد، از تصمیم‌های خطیر در حوزه ویراستاری است. از جمله دشواری‌هایی که اکنون با آن رو به رو هستیم، تعمیم دادن گونه یا روشی از ویرایش از سوی شماری از ویراستاران است. ممکن است آنچه خود از درون سوراخ کلید می‌بینند، تعمیم داده شود. خود من بارها و بارها چه دو دوره‌های آموزشی، چه در نشست‌ها و دیدارها و گفت‌وگوها با این مشکل روبه رو شده‌ام که یک جزء از ویرایش کل ویرایش قلمداد شده است و برای رد کردن این سوء‌برداشت، زمان و تلاش لازم است. یا همان‌گونه‌ای از ویرایش را که با آن سروکار داشته‌اند، ویرایش به طور اعم می‌انگارند. برای مثال، این‌گونه را که توضیح کوتاهی درباره آن می‌بینید، به کرات تعمیم داده شده است.

اگر در تشکیلاتی نشریه‌ای داخلی، محدود و با توجه به مخاطبان همان تشکیلات منتشر شود و ویراستار آن نشریه بر پایه شیوه‌نامه ویرایش و ضوابط و قراردادهای داخلی، آن نشریه را ویرایش کند، نوع ویرایش او ویرایش سازمانی^۴ است. حال اگر در مؤسسه‌ای انتشاراتی، هرچند هم بزرگ و به قصد انتشار اثر با شمارگانی زیاد و بسیار زیاد، نظیر همین روش ویرایشی اعمال شود، باز هم این روش در الگوی ویرایش سازمانی قرار می‌گیرد، اما اگر ویراستاری توانست همه متغیرهای دخیل و مربوط به اثر را بشناسد، در نظر بگیرد و راهبرد (استراتژی) ویرایشی خود را بر پایه آن‌ها طراحی و تدوین کند، ویرایش او از سخن ویرایش پویا، کل نگر و جزء‌نگر، غیر مکانیکی و خلاقانه خواهد بود.

در نوشه‌هایی به علت‌های این‌گونه تعمیم دادن‌ها شاهده است و در اینجا قصد تکرار آن نکته‌ها راندارم. فقط اجمالاً یادآوری می‌شود مادام که منابع پایه و موثقی درباره ویرایش در دست نباشد و ویراستاران مجرّب و آموزشگران ویرایش بر سر این‌گونه نکات توافق نکند، بعيد است مشکل تعمیم به سادگی و به این زودی‌ها برطرف شود. هر اثر در دست ویرایش از اجزایی ترکیب می‌شود که در مجموع ساختار اثر را تشکیل می‌دهند. ویراستار در بررسی مقدماتی اثر و برای تدوین راهبرد ویرایشی خودش ناگزیر است این اجزاء را شناسایی و آن‌ها را فهرست کند. از اهل فن شنیده‌ام که اگر در فروندگاه‌ها صورت دقیق بررسی و بازبینی تهیه نشده باشد و بر پایه این صورت اجزای

گوش ویراستار را ببرد. همین مقایسه‌ها بود که جایگاه پرکینز را فرا و فراتر می‌برد و نویسنده‌گان بیشتری مایل می‌شدند نوشه‌هایشان زیر دست پرکینز بروند و او ویراستار آثارشان باشد؛ البته جنبه‌های دیگری هم در کار پرکینز بود که پرداختن به آن‌ها به تفصیل خواهد انجامید. امیدوارم ویراستاران جوان، بالنگیزه و پژوهش‌گر ماشگردهای ویرایشی ویراستاران بنام را شناسایی و معرفی کنند که به طور قطع شناخت ما را از ظرایف فن و هنر ویرایش افزایش خواهد داد.

تی. اس. الیت هم اگر به تسلط و اشراف ادبی و هنری پاوند اعتماد نمی‌کرد، هیچ دلیلی وجود نداشت که شعر «سرزمین هرز» را با ویرایش سنگین او منتشر کند؛ همین‌طور شاعران و نویسنده‌گان جوانی که شعرها و داستان‌هایشان با ویرایش‌های سنگین و سبک شاملو و گلشیری منتشر شد.

به هر حال، این‌گونه ویرایش‌ها هم، که به آن‌ها اشاره شد، دخل و تصرف است، اما دخل و تصرف پذیرفته شده یا کم‌وبیش مطلوب. بنابراین، حکم کلی کسانی که تأکید دارند «هیچ‌گونه دخل و تصرفی مجاز نیست»، حکم درستی نیست. اگر تغییری ضرورت دارد، یا بر پایه موازین معتبر و شناخته شده مستحسن است، دلیلی ندارد که اعمال نشود. برای مثال، مؤلفی کتابش را با موضوع و عنوان «جزایح شبکیه و قرنیه چشم با فناوری جدید لیزری» برای نشر به ناشر سپرده است. آیا این کتاب را بر پایه اصل یا پیشنهاد «حداقل مداخله ویراستار» باید منتشر کرد، یا بر پایه اصل «حداکثر مداخله ویراستار»؟ ناشران معتبر و بین‌المللی گاه ممکن است اثری پیشنهادی را برای نشر به رؤیت بیش از یک متخصص برسانند تا از دقت و صحبت متن مطمئن شوند. در همه آثار حساس، هر خطاب، لغزش، بی‌دقیقی و نظایر آن، ممکن است آسیب‌های جانی، زیان‌های مالی، تهدیدهای فرهنگی و نظایر آن از پی‌داشته باشد. یک خطاب کوچک در تعبیر و تفسیر، ممکن است مناسبات سیاسی دوکشور را با بحران روبه رو کند. کدام ناشر معتبری حاضر است مسئولیت ناشری خود را نادیده بگیرد و فاجعه یا بحران به بار بیاورد؟ ممکن است مشاوران متخصص اثر دست به قلم نبرند و حتی یک واژه اثر پیشنهادی را تغییر ندهند، اما همان نگاه تخصصی آن‌ها به نوشه‌های بخشی از روند ویرایش است. ویراستاران ناشر پس از آن که از صحّت علمی نوشه‌های اطمینان می‌یابند، به ویرایش‌های لازم مانند ویرایش ساختاری، استنادی، صوری، زبانی، تصویری و جز آن می‌پردازند. همه آثار علمی و فنی که ناشران معتبر بین‌المللی منتشر می‌کنند و ما آن‌ها را خوش‌ساخت، چشم‌نواز، خوش‌نشر و از لحاظ محتوا در خور اعتماد می‌یابیم، اغلب یا معمولاً همین روند ویرایشی را سپری کرده‌اند.

پرسشی دیگر. با کتاب‌های درسی فرزندانمان در سطوح مختلف تحصیلی، از پیش‌دبستانی تا پسادکتری، چه کنیم؟ آیا این آثار بدون دخل و تصرف، عیناً همان‌طور که مؤلفان آن‌ها تحویل داده‌اند، باید منتشر شوند؟ آیا آمار، ارقام، داده‌ها، روش‌ها و نتیجه‌گیری‌های این‌ها بدون بررسی علمی، روشی و مطابقت دادن با منابع مرجع موثق، و بدون هیچ تغییر و اصلاح، افزایش و کاهش، همان‌طور که تحویل داده شده است، عیناً منتشر شوند؟ کدام سامانه آموزشی مسئول در جهان متن درسی خام را در دسترس فرزندان قرار می‌دهد؟ همه درس‌نامه‌ها در همه سطوح، بدون استثناء، و نیز همه منابع مرجع، اعم از دانشنامه‌ها، فرهنگ‌ها، راهنمایها، فهرست‌ها، اطلس‌ها، دستنامه‌ها، نقشه‌ها، و نظایر آن به ویرایش از نوع دقیق‌ترین، سنگین‌ترین، سخت‌گیرانه‌ترین و بی‌اغراض و گذشت‌ترین آن نیاز دارند تا آثاری قابل اعتماد و مراجعه در اختیار جوینده‌گان اطلاع درست و موثق قرار بگیرد. در آثاری که اصل آن‌ها برآفرینش‌گری، اصالت، جنبه‌های شخصی

که این کارها را چند بار می‌کنم، این قدر تکرار می‌کنم که ذوقم اقناع، رضایتم تأمین و اطمینانم به صحّت و دقت نوشته جلب شود. منتشر کردن کتاب بی‌نقص و بی‌غلط کار بسیار دشواری است، اما وظیفه ویراستار است که کتاب بی‌عیب منتشر کند. ویراستار باید حوزه‌ای تخصصی داشته باشد. بدون حوزه‌ای متخصص باشد، اما باید می‌شود... در عین آنکه باید در حوزه‌ای متخصص باشد، او باید دیدگاه‌های در آن حوزه به سبک محققان و فضلاً عمل کند؛ او باید دیدگاه‌های غیرمتخصصان را با خود همراه داشته باشد و گرنه نمی‌تواند آن جا که لازم است، دست به تفکیک بزند... به نظرم ویراستار همیشه باید نیم‌قدم از سیر اوضاع و احوال جلوتر باشد، نه بیش‌تر. اما اگر نیم‌قدم عقب بماند، خوانندگان را لذت‌مند نمی‌کند. تنظیم کردن آهنگ چنین حرکتی، هنری است که باید با کار و تجربه اندوخت. ویرایش به قدرت جسمانی نیاز دارد، زیرا وظیفه‌ای سنگین و کاری پرمشغله است و به پشت میز نشستن محدود نیست. گاه ممکن است ویراستار مجبور شود سراسر شب را کار کند. ما در محل کارمان کیسه‌خواب داریم. در بعضی مؤسسه‌های انتشاراتی بزرگ ژاپن حتی تختخواب هست.

معمولًاً ماهی دوبار در دفتر کارم می‌خوابم.»^۱

در برابر این گونه نقل قول‌ها بارها و بارها از زبان این و آن و با الفاظ مختلف شنیده می‌شود که این‌ها مسائل جامعه یا مسائل نشر و ویرایش مانیست و به ما ربطی ندارد. پرسش: مسائل نشر و ویرایش ما چیست؟ کدام مطالعهٔ پژوهشی موثق نشان داده است که مسائل نشر و ویرایش ما چیست تا بر پایه آن بتوان حکم کرد کدام نقل قول‌ها موافق با واقعیت جامعهٔ ما و کدامیک ناموافق‌اند؟ اگر هرکسی به اتكای دانسته‌ها، تجربه‌ها و مشاهدات شخصی خودش بخواهد مدعی باشد که حکم او حکمی کلی است، پس تعداد حکم‌ها به تعداد مدعیان خواهد بود و نتیجه‌هم معلوم است: تشدید بُلْبُشو در عرصهٔ ویرایش. میان همهٔ نشرها و ویرایش‌ها در سراسر جهان جنبه‌های مشترکی هست و همهٔ این جنبه‌ها را باید شناخت. شناختن تفاوت‌ها با بررسی‌های موردی و محلی ممکن است. نقش و وظایف ویراستارهای نشرهای توسعه‌یافته را نمی‌توان به همین نقش و وظایف در نشرهای توسعه‌یافته تعمیم داد. این، درست است. اما قرار هم نیست نشرهای توسعه‌نیافته همچنان درجا بزند و به سمت توسعه حرکت نکند. نگاهی که می‌خواهد نشر و ویرایش را از مقایسه‌ها دور نگه دارد، در عمل مانع رشد و توسعهٔ ویرایش و کمال حرفه‌ای ویراستار خواهد شد. نشر و ویرایش ما به نگاهی نیاز دارد که مقایسه و بررسی‌های تطبیقی را به حوزهٔ خود راه دهد و با مطالعات بومی همراه کند. فرق و مرز میان نگاه تنگ و فراخ به ویرایش را در تفاوت رویکرد به رشد و توسعه هم می‌توان دید. ■

تهران، مهرماه ۱۴۰۰

۱. برای تفصیل ماجرای ویرایش کتاب گتسی بزرگ در زبان اصلی، نک این کتاب: Susan Bell, *The Artful Edit: On the Practice of Editing Yourself*, (New York: W. W. Norton & Company, 2007).

۲. نمونه‌هایی از ویرایش‌های ابوالحسن نجفی و هوشنگ گلشیری را خود شاهد مستقیم بوده‌ام و دربارهٔ ویرایش احمد شاملو بخشی از اطلاع‌می‌واسطه و بخشی دیگر به واسطهٔ تنی چند از معتمدان است.

3. Stylistic editing

4. organizational editing

5. Massaki Oe

۶. برای تفصیل مطالب او، نک: در قلمرو نشر، ویرایش و دانشنامه‌نگاری، (تهران: ققنوس، ۱۳۸۲)، صص ۱۲۵-۱۲۳.

حساس و اساسی هوایی‌های آمادهٔ پرواز را بررسی نکنند، معلوم نیست چند هوایی‌مادر روز سقوط می‌کنند. مدیریت‌های کارآمد هم در همهٔ رشته‌ها و در همهٔ زمینه‌ها صورت‌های دقیق و تدوین و ابلاغ شده مربوط به جزء‌به جزء بررسی و بازبینی را در اختیار دارند.

احتمال دارد ویراستار به این نتیجه برسد که تک‌تک نام‌ها، تلفظ‌ها، تاریخ‌ها، نقل قول‌ها، داده‌های کتاب‌شناختی، سصفحه‌ها و پاصفحه‌ها و نظایر آن به بررسی تا حصول دقت نیاز داشته باشد. او این اجزاء را فهرست می‌کند و سپس هر کدام از آن‌ها از آغاز تا پایان اثر تک‌به‌تک و به طور مجزا، نه با هم - بررسی می‌شود. ویراستار میدان دیدش را محدود و تنگ می‌کند تا فقط یک چیز را ببیند. برای مثال، یک بار فقط سصفحه‌ها را از آغاز تا پایان اثر بررسی می‌کند و با هیچ جزء دیگر کار ندارد. بار دیگر فقط با تلفظ نام‌ها کار دارد، از اول تا آخر. به این ترتیب ممکن است که او ناگزیر باشد بارها و بارها این سفر را از آغاز تا پایان اثر تکرار کند. این بررسی، نگاه از درون سوراخ کلید است. بررسی که پایان یافت، کار او به پایان نرسیده است، بلکه اطمینان یافتن از همهٔ اجزاء به او کمک می‌کند که تناسب آن‌ها را با هم و با کل اثر بررسی کند. افزون بر این، تناسب این دو با هم کافی نیست، تناسب این دو با متغیرهای اصلی مؤثر بر نشر هم لازم است. همین جاست که نگاه تمام‌نما (پانوراما) لازم است. به کمک این نگاه است که اثر ویراسته با طبیعت موضوعی اثر، نیازهای خوانندگان، کاربردهای اصلی و جنبی و فرعی، ویژگی رسانهٔ انتقال، موقعیت‌های زمانی و مکانی و سایر جنبه‌هایی که به گونه‌ای با مسائل انتقال پیام ارتباط دارند، مرتبط و سازگار می‌شود.

ویراستاران موفق این توان را دارند که خودشان را به جای مخاطبان مختلف آثار بگذارند و بکوشند مانند آن‌ها مطلب را حس و درک کنند. لازمهٔ این حس و درک، مخاطب‌شناصی و آگاهی دقیق به ویژگی‌های مخاطبان است. پسندها، توان، سطح اطلاع آن‌ها از زبان و محتوا را نوشت، نیازها و توقعاتشان از نوشتۀ از نکاتی است که در دید فراخ به آن‌ها توجه می‌شود. از این‌روست که بر مخاطب‌شناصی تأکید می‌کند. انتقال پیام نخواهد بود و پیام پدیدآورنده به او منتقل نخواهد شد.

همهٔ ویراستاران موفق در تنظیم پیام چیره‌دست‌اند، زیرا خود پیام و ویژگی‌های آن، فرستنده و گیرندهٔ پیام را درست و بجا برآورد می‌کنند. کمال سازگاری را در ویرایش‌های ویراستارانی می‌توان یافت که به مدد دانش، تجربه، شمّ تشخیص و توانایی‌های دیگر، نگاه تنگ و فراخ را به طور متوازن با هم ترکیب کده‌اند. مهارت دست یافتن به این ترکیب را چگونه می‌توان کسب کرد؟ شاید بهتر باشد پاسخ را از زبان ماساکی نو^۲ بشنویم که نه فقط کتاب ویرا (ویراستار کتاب) که نشر ویرا (ویراستار اداره‌کنندهٔ مؤسسهٔ انتشاراتی) هم هست و همهٔ مراحل تسلط بر ویرایش و نشر را به تجربه، و نیز همراه با مطالعه و تأمل، سپری کرده است. نکته‌هایی از زبان او (تأکیدها از من است): «آن‌هایی که گمان می‌کنند ویراستار فقط باید پشت میز یا در برای رایانه‌اش بنشینند، سخت در اشتباه‌اند... اطلاعات ضروری برای نشر را ویراستار نمی‌تواند از پشت میز به دست آورد. در مؤسسه‌مان برای موضوع‌های فعالیت، پرونده‌های جداگانه‌ای تشکیل داده‌ایم... ویراستار حتماً باید این توانایی را داشته باشد که اطلاعات مناسب را از میان انبوه آن‌ها بیرون بکشد و بر اساس اطلاعات، درست داوری کند و تصمیم بگیرد... کتابی که زیر نظر من چاپ می‌شود، معمولاً آن را چهار بار نمونه‌خوانی می‌کنم. بسیار اتفاق می‌افتد که از نویسنده می‌خواهم قسمت‌هایی را بازنویسی کند یا تغییر دهد. یا از چاپ‌گر می‌خواهم قسمت‌هایی را از نو و با ترتیب و آرایش دیگری از نوبچیند. مهم نیست